



نخستین گزارش نویسی جنگی در مطبوعات ایرانی

با تأکید بر گزارشی از روزنامه اختر

■ م- طاری

گزارشی که در این نوشتار عرضه می‌شود، در یکی از شماره‌های هفته‌نامه اختر در سال ۱۲۹۸ قمری (۱۲۵۹ شمسی - ۱۸۸۰ میلادی) چاپ شده است. متن مزبور، نخستین گزارش جنگی است که توسط خبرنگاران ایرانی تهیه شده و در نشریات فارسی زبان ایران (در داخل و خارج از کشور) چاپ شده است. شیوه انعکاس اخبار، نوع نگارش متن و نکات مورد توجه خبرنگار «اختر» از جمله ویژگی‌های مهم متن مزبور می‌باشند.

مقدمه

در دهه ۱۸۷۰ (حدود دهه ۱۲۹۰ قمری) سپاهیان ارتش روسیه در پیشروی‌های منظم خود در آسیای میانه، توانستند نقاط مهمی را در جنوب رودخانه جیحون به تصرف خود درآورند. در مسیر پیشروی، آنها به مانع بسیار سختی برخورد کردند که طی قرن‌های قبل از آن هم، همواره سدی در مقابل کشورگشایان مختلف بود، آن سد و مانع چیزی جز مجموعه قبایل ترکمن جنوب صحرائی قره‌قوم و شمال خراسان، نبود. قبایل مزبور بنا به عادت مألوف، شیوه‌ای از زندگانی را برای خود برگزیده بودند که با حیات اجتماعی اطراف آن منطقه (خراسان و ماوراءالنهر) متفاوت بود. آن قبایل دامپرور، در هنگام سختی‌ها به شهرها و مناطق معمور مجاور حمله کرده و با قتل و غارت آنها، گذران زندگی می‌کردند. در این راستا، صدمات بسیار سنگینی به شهرها و بویژه خراسان شمالی وارد می‌آمد. آن قبایل با یک سیستم اجتماعی و حکومتی خاص خودشان،

زندگی می‌کردند و تقریباً همیشه مستقل بودند. با طلوع سلسله قاجار در ایران، شاهان و امرای آن سلسله تلاش زیادی را برای سامان دادن به اوضاع شمالی خراسان و نواحی ترکمن‌نشین، انجام دادند، تلاش‌هایی که من حیث‌المجموع با شکست مواجه شدند.

تا این‌که در دهه ۱۸۷۰ ارتش مهاجم روسیه که از دو محور شمال و غرب به منطقه مورد بحث نزدیک شده بودند، با مانع عظیم قبایل ترکمن جنوب صحرای قره‌قوم برخورد کردند. طی چند سال زد و خورد های پراکنده‌ای بین دو طرف انجام شد تا این‌که در سال ۱۲۹۸ (۱۸۸۰ میلادی) جنگ نهایی بین دو طرف در محلی به نام «گوگ‌تپه» در مغرب شهر عشق‌آباد فعلی و شمال قوچان، بین قبایل ترکمن و ارتش روسیه در گرفت. جنگی بین جنگاوران قدیم و جنگجویان مسلح به آخرین تکنولوژی جنگی روز؛ و نتیجه نیز مشخص بود، شکست نهایی ترکمان‌ها و استیلای کامل روس‌ها بر آسیای میانه. پس از پایان جنگ، خبرنگار هفته‌نامه اختر در صحنه جنگ حاضر شده و به تشریح وضع اردوی نظامی روس‌ها و ترسیم وقایع جنگ «گوگ‌تپه» می‌پردازد. تلاش خبرنگار مذکور، دستاوردی را به همراه داشت که از آن می‌باید با عنوان نخستین گزارش نویسی جنگی در مطبوعات ایرانی یاد کرد و اینک متن کامل آن گزارش.

متن گزارش

از خبرنگار اختر که در جنگ گوگ‌تپه همراه اردوی روس بود کاغذی به اداره رسید که پاره‌ای مطالب آن دارای اهمیت فوق‌العاده بود که اجمالاً در ذیل نوشته می‌شود:

پیش از محاصره «گوگ‌تپه» آنان که از تراکمه صاحب شتر و گوسفند بودند، به همت وسعت معیشت در «فم» سکنی داشتند، همین‌که فراریان «گوگ‌تپه» به آنها رسیدند همه‌شان عازم «مرو» گردیدند مگر معدودی چند که قوه حرکت نداشتند دوباره به «گوگ‌تپه» برگشتند. سردار روس به آنها محبت کرده و اسرای آنان را رد نمود ولیکن هر یک نفر مرد بیست زن را مصاحب شده، از این قبیل خانوار تخمیناً به قدر سه هزار در «آتک» هست، منتهی چهارصد یا پانصد نفر مرد از پیر و جوان در میان آنها باشد، ولی نه لباس دربردارند و نه پلاس در زیر و هر قلعه که بیشتر دارای یک هزار خانوار بود اکنون تنها بیست خانه باقی مانده است و در یک گوشه غربی «گوگ‌تپه» که تپه کوچکی هم دارد یک فوج سالدات اردو زده و اطراف خودشان را با خندق محاط نموده‌اند و چهار عراده توپ «ته پر» در بالای تپه تعبیه نموده‌اند ولی اردوی بزرگ در سمت مشرق «گوگ‌تپه» به فاصله سه هزار قدم دورتر است. وضع اردو مربع است و اطرافش کمی خندق نیز دارد. توپ‌های «ته پر» برنج و آهن و توپ‌های چهار لوله و توپ‌های کوهی «ته پر» همه را اطراف اردو به ترتیب گذاشته‌اند.

«جنرال اسکوپلف» سردار قشون روس بعد از نظم گوگ‌تپه، چند فوج سواره و پیاده برداشته و به موقع «عشق‌آباد» که قلعه معتبر و در مشرق «آتک» واقع است رفته و در آنجا اطلاع حاصل نمود که تراکمه «مرو» چند نفر صاحب منصب روس را که برای خرید آذوقه به «درگز» عزیمت داشتند، در اثنای راه گرفته و به اسیری برده‌اند. بنابراین جنرال مشارالیه یک نفر از ترکمانان «یموت» را به رسالت نزد ترکمانان «مرو» فرستاده و آنان را پیغام داد اگر رعیت دولت روس شدید فبها، والا مستعد جنگ باشید.

بعد از فرستادن این پیغام، خود سردار مشارالیه به موقع «باباجق» که مشهور به لطف‌آباد و یکی از قلاع معتبر «درگز» است رفته و پنج شب آنجا اقامت نموده و حاکم «درگز» را خواست و آنچه از فراری ترکمانان آنجا بود همه را گرفت. محمدعلی خان حاکم «درگز» یک اسب با ساخت طلا به سردار هدیه کرد. در این بین از طایفه «علی‌ایلی» که به «آلیلی» مشهور است و پنج سال پیش از این، نواب رکن‌الدوله حکمران خراسان مخصوصاً

برای آنها در قهقهه «کلات» مسکن ساخته و اسم آنجا را «رکن آباد» گذاشت و طایفه مذکور در آنجا مسکن گرفته بودند، از دست «بهبودخان» حاکم «کلات» به سردار روس عارض شده و اظهار داشتند چون ما ترکمان هستیم و همه ترکستان و «آتک» در تصرف شما است، مستدعی هستیم از تعدی خان کلات آسوده گردیده و به رعیتی دولت روس درآئیم.

سردار روس یک نفر صاحب منصب را به میان آنها فرستاده و قرار گذاشت پنجاه نفر سوار به اسم غلامی بدهند و رعیت روس باشند.

خود سردار خیال داشت چند روزی در لطف آباد بماند و در این اثنا خبر رسید «شجاع الدوله» حاکم قوچان به اردوی «گوگ تپه» آمده، چون چند روز قبل و عده ملاقات به همدیگر داده بودند لهذا به قدر هزار نفر از جمعیت خود را در «لطف آباد» گذاشته و به تعجیل تمام عازم «گوگ تپه» گردیده وقتی رسید که شجاع الدوله سه روز پیش از آن در آنجا بود و از اسب پیاده شده یک سر به منزل شجاع الدوله رفت و یک ساعتی صحبت داشته و به منزل خود مراجعت نمود. به ملاحظه این که نظم اردو و قشون خودشان و کیفیت یورش و گرفتن «گوگ تپه» را به صاحب منصبان ایرانی بنماید، سه ساعت از روز گذشته سردار و شجاع الدوله سوار گردیده و کنار اردو آمدند. سردار روس حکم داد شیپور اخبار بزنند. به محض بلند شدن صدای شیپور، یک مرتبه عساکر روس از پیاده و سواره و توپخانه با نظم تمام جوق جوق و دسته دسته بیرون شدند. پس از آن توپخانه به شلیک پرداخته و قشون سواره و پیاده مشغول مشق و تعلیم شدند. به همان قسم که «گوگ تپه» را گرفته بودند.

«هرا» کشیده و یورش بردند و بعد از آن ساعتی نیز در شهر مشق کردند. پس از آن شجاع الدوله به منزل خود و سردار روس نیز به اردو برگشتند. همان شب [که] شجاع الدوله مهمان سردار بود، محمدقلی خان شادلو برادر سهام الدوله و ابو الحسن خان پسر شجاع الدوله و قهرمان خان نایب شجاع الدوله همراه بودند. همان شب هم از جانب امپراتور روس نشان «خاج» که دوم درجه نشان دولت «روس» است در مقابل فتح گوگ تپه به جهت سردار آمده بود و یکی از آجودان های امپراتور حامل نشان مذکور و معادل ده هزار منات نیز انعام برای زخم داران قشون آورده بود.

چند ساعتی صحبت شد. بعد شجاع الدوله برخاسته به منزل خود رفت. فردای آن، از جانب شجاع الدوله دو رأس اسب با زین و ساخت طلا برای سردار و پنج رأس دیگر به جهت سایر صاحب منصبان به رسم تعارف فرستاده شد و در نهایت یکرنگی پذیرفته شد.^(۱)

پانویس

۱- هفته نامه اختر، ش ۱۹، ص ۲۸، ۷، جمادی الاول ۱۲۹۸ ق، صص ۱۵۳ و ۱۵۴